

جرانم خشونت آمیز

مؤلف: میثم تسلیمی

بایز ۹۵

فهرست

صفحه	عنوان
۸	مقدمه
	فصل اول
۱۱	جرم
۱۱	مفهوم جرم و بزه
۱۲	مفهوم حقوقی جرم
۱۳	مفهوم فقهی جرم
۱۴	مفهوم جرم شناختی جامعه شناختی جرم
۱۵	جرم و قانون
۱۵	رابطه جرم و قانون
۱۶	روند شکل گیری قانون
	فصل دوم
۱۷	خشونت
۱۷	معنای لغوی و اصطلاحی خشونت
۲۰	مفهوم خشونت از دیدگاه صاحب نظران علوم مختلف
	فصل سوم
۲۵	انواع خشونت
۲۵	خشونت شخصی (رفتاری) و خشونت ساختاری
۲۸	خشونت قانونی و خشونت غیرقانونی
۳۰	خشونت مشروع و خشونت غیر مشروع
۳۳	خشونت مجرمانه (انضباطی) و خشونت غیر مجرمانه
۳۵	خشونت فیزیکی و فرا فیزیکی
۳۶	سایر عناوین خشونت

فصل چهارم

- ۳۹ خشونت و حقوق کیفری
- ۴۲ خشونت و جرم
- ۴۲ الف: محدود نبودن خشونت به جرم
- ۴۶ ب: جرم نبودن هر گونه خشونت

فصل پنجم

- ۵۰ خشونت و مجازات
- ۵۰ الف: مجازات، خشونت است
- ۵۴ ب: مشروعیت مجازات در سایه رعایت اصول حاکم بر آن

فصل ششم

- ۵۸ آمار جنایی
- ۵۸ تعریف، انواع و معایب آمار جنایی
- ۵۸ تعریف و انواع آمار جنایی
- ۵۹ معایب آمارهای جنایی
- ۶۱ تکنیک‌های جدید سنجش بزهکاری
- ۶۱ تحقیقات مبتنی بر اقرار بزهکاران خودمعرف
- ۶۳ تحقیقات از بزه‌دیدگان

فصل هفتم

- ۶۴ دیدگاه‌های جرم‌شناسی کلاسیک
- ۶۴ تئوری «تیپ جنایی» لومبروزو (۱۸۳۵-۱۹۰۹)
- ۶۷ مکتب محیط اجتماعی «لاکاسانی»
- ۶۹ نظریه تعدد عوامل فری
- ۶۹ عوامل بزهکاری از دیدگاه فری
- ۷۰ طبقه‌بندی بزهکاران

فصل هشتم

- ۷۲ نظریه بهنجاری یا بی‌هنجاری امیل دورکیم
- ۷۲ جرم، پدیده‌ای عادی و بهنجار
- ۷۴ تشریح آنومی یا بی‌هنجاری از دیدگاه دورکیم
- ۷۷ نظریه بی‌هنجاری مرتون
- ۷۸ تبیین بزهکاری از دید مرتون
- ۷۹ طبقه بندی واکنش افراد جامعه نسبت به معضل بی‌هنجاری
- ۸۰ نظریه ناشردهای ترجیحی ساترلند
- ۸۲ نظریه مارض فرهنگی سلین

فصل نهم

- ۸۴ دیدگاه‌های جرم شناسی نوین با واکنش اجتماعی
- ۸۵ نظریه برچسب زنی
- ۸۵ کلیاتی پیرامون تئوری برچسب زنی
- ۸۷ ماهیت جرم و بزهکاری از دیدگاه تمرکز برچسب زنی
- ۸۸ انحراف بدوی و ثانوی
- ۸۹ ارزیابی نظریه برچسب زنی
- ۹۰ تئوری تعارض اجتماعی
- ۹۴ منابع
- ۹۴ منابع فارسی
- ۱۰۰ منابع غیر فارسی

چنانچه میزان ابتلاء جوامع بشری به یک موضوع خاص را یکی از معیارهای اهمیت آن موضوع بدانیم به جرأت می‌توان ادعا کرد که پرخاشگری و خشونت از جمله مسائل عمده و با اهمیتی است که انسان‌ها از گذشته‌های دور تاکنون به صورت گسترده‌ای با آن سروکار داشته و دارند. نگاهی گذرا به آمار خیره کننده و روز افزون جنایات و درگیری‌هایی که در جوامع انسانی به وقوع می‌پیوندد - که بخش عمده‌ای از آنها ناشی از رفتارهای پرخاشگرانه است - مؤید این ادعا است.

به جاست در این جا گفتار یکی از نویسندگان (مونتگو، ۱۹۷۶) را ذکر نماییم که می‌گوید: «اغلب ما تصور می‌کنیم که پرخاشگری انگیزه‌ای است که باید درباره آن بیش‌تر بدانیم؛ ما به یکدیگر حمله می‌کنیم، آسیب می‌رسانیم، و گاهی هم دیگر را می‌کشیم، در واقع ما با دشنام دادن یا کوشش در جهت بی‌آبرو کردن دیگران به صورت کلامی پرخاشگری می‌کنیم.»

به موازات پیشرفت‌های علوم و متحول شدن زندگی بشری، روابط انسانی نیز نسبت به قبل پیچیده‌تر شده است. در این راستا، مشکلات و معضلات روحی و روانی فراوانی در جوامع انسانی به وقوع پیوسته که این امر ضرورت بررسی گسترده و دقیق موضوعات روان شناختی نظیر پرخاشگری را ایجاب کرده است. به طوری که امروزه پرداختن به موضوع پرخاشگری منحصر به کتب روان‌شناسی نیست. بلکه در دیگر حوزه‌های علمی هم چون روان پزشکی، آسیب شناسی روانی، روان شناسی اجتماعی و حتی جرم شناسی که یکی از شاخه‌های حقوق کیفری است، از جهات متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است.

خشونت و پرخاشگری به یکی از مسائل اجتماعی مهم و در مجموع توجه جوامع تبدیل شده است. افراد و گروه‌های زیادی به دلایل و بهانه‌های گوناگون، درگیر شدن در فرآیندهای خشونت آمیز آسیب‌های فراوانی را به خود و سایرین وارد می‌کنند. در بسیاری از درگیری‌های خشونت آمیز، لاجرم نیروی انتظامی مداخله می‌کنند. خشونت و درگیری وارد مرحله متفاوتی می‌شود.

مواردی نیز به دنبال مداخله پلیس و خاتمه درگیری‌ها، پدیده خشونت جمعی در زمان‌ها و مکان‌های دیگری و گاه در ابعادی بسیار گسترده‌تر بروز می‌کند که نتیجه آن، تخریب اموال عمومی، صدمات جانی و مالی افراد ماجراجو و حتی بی‌طرف و یا عابران و غیره است. از این رو، شناخت همه جانبه پدیده خشونت، بویژه از ابعاد روان‌شناسی اجتماعی و جامعه شناختی، به منظور دستیابی به راهکارهای اصولی برای پیشگیری و نیز کنترل آن از دغدغه‌های اساسی جوامع دموکراتیک است.

عوامل متعددی می‌توانند در شکل‌گیری رفتارهای مختلف جوانان که صورت خشونت به خود می‌گیرند مؤثر و نقش‌آفرین باشند. شناخت علمی این عوامل به منظور رسیدن به یک درک جامع از ماهیت این مسأله بسیار مهم است. همچنین، ضروری است عواملی که می‌توانند بستری مناسب برای مراقبت و حمایت از جوانان در جهت احتراز از خشونت فراهم آورند به خوبی شناسایی شوند.

تحقیقات زیادی حاکی از آنست که وجود یک عامل ریسک (Risk factor) در یک فرد به تنهایی نمی‌تواند موجب بروز رفتار ضد اجتماعی و خشونت بار بشود. عوامل متعددی لزوماً باید با هم ادغام شوند تا در یک دوره زمانی مربوط به رشد فرد و تحول به دوره بلوغ و بزرگسالی رفتار وی را شکل ویژه‌ای بخشند. عوامل ریسک به عواملی اطلاق می‌شوند که شواهد قوی برای ارتباط علمی آنها با یک مسأله یا پدیده خاص عواملی چون: بیکاری و فقدان راه کافی برای زندگی، به ویژه برای تأمین امکانات ورزشی، تفریحی و گذران سالم اوقات فراغت، برای زنان و جوانان که نیاز مبرم و انکارپذیری برای آن به مانند نیاز گیاه به آب، دارند. و یا شرایطی چون غربتی بودن، طرد شدگی، اخراج از مدرسه و یا اجبار در ترک تحصیل، احساس بی‌عدالتی، بی‌قدرتی اجتماعی نبود خانواده حمایت‌گر و قابل اتکا، احساس محرومیت / ناکامی در برآورده شدن خواسته‌ها و آمال کوچک و بزرگ و عواملی نظیر اینها می‌توانند فرد را در مسیر حوادث و شرایط نامطلوب و خطرآفرین قرار دهند. به ویژه اگر الگوهای یادگیری اجتماعی گروه‌های تنش‌آفرین مناسبی در اختیار نباشد، احتمال الگوپذیری و مدل‌سازی منفی و سالم برای جوان فراهم‌تر می‌شود و زمینه مناسبی برای رفتارهای ناپسند و ضد اجتماعی فراهم می‌گردد.

عوامل حمایت‌کننده، از طرف دیگر، عواملی هستند که تقوه احتمال درگیر شدن در رفتار خطرآفرین را کم می‌کنند. این عوامل می‌توانند در سطح و ابعاد مختلفی که یک فرد آن را تجربه می‌کند تأثیرگذار باشند و یا می‌توانند در سطح و ابعاد مختلفی که یک فرد آن را تجربه می‌کند تأثیر داشته باشند و یا می‌توانند رابطه بین ریسک و بازدارنده یک رفتار را تعدیل کنند، وجود دارد.

یکی از راه‌های درک و شناخت پویایی بین عوامل ریسک و حمایت‌کننده امنیت که این عوامل را در چارچوب اکولوژیک یا زیست محیطی مورد توجه قرار دهیم و با استفاده از یک مدل اکولوژیک می‌توان تشخیص داد که هر فرد در چارچوب شبکه پیچیده‌ای از زمینه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و محیط زندگی خود عمل می‌کند که روی ظرفیتش برای احتراز از ریسک تأثیرگذار است.